

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

صورخیال در غزلیات اهلی شیرازی

استاد راهنما:

دکتر محمدحسن حسن زاده نیری

استاد مشاور:

دکتر نعمت الله ایران زاده

نگارنده:

منیژه قنبریان

تیرماه ۱۳۹۱

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها
کتابخانه ی مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان :	صورخیال در غزلیات اهلی شیرازی
نویسنده / محقق:	منیژه قنبریان
مترجم :	
استاد راهنما: دکتر محمد حسن حسن زاده نیری استاد مشاور/ داور: دکتر نعمت الله ایران زاده / دکتر رضا مصطفوی	
کتابنامه: فارسی	واژه نامه :
نوع پایان نامه: بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input checked="" type="checkbox"/>	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۱۳۹۰ / ۹۱
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبایی دانشکده: ادبیات و زبان های خارجی
تعداد صفحات: ۳۷۷	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلید واژه ها به زبان فارسی :	اهلی شیرازی ، صورخیال ، تشبیه ، استعاره ، مجاز ، کنایه
کلید واژه ها به زبان انگلیسی :	
Ahli shirazi, imaginative, allegory, metaphor, imagery, irony	

چکیده

الف: موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

اهلی شیرازی همانند بسیاری از شاعران هم عصر خویش علاقه ی وافری به کاربرد صنایع ادبی در اشعارش دارد. در رساله حاضر به بررسی صورخیال و چهار آرایه ی پربسامد آن یعنی تشبیه ، استعاره ، مجاز و کنایه در غزلیات این شاعر پرداخته شده است تا میزان استفاده ی این شاعر از این چهار عنصر در ایجاد خیال انگیزی در اشعارش سنجیده شود.

ب: مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع ، چارچوب نظری و پرسش ها و فرضیه ها :
منابع اصلی در این رساله «کلّیات اهلی شیرازی» است و کتاب «بیان» دکتر شمیسا است ولی در پاره ای موارد از سایر کتب بیانی نیز بهره گرفته شده . در این رساله کوشش شده با بررسی چهار عنصر بیانی تشبیه ، استعاره ، مجاز و کنایه ، میزان بهره گیری شاعر از این عناصر در ایجاد خیال انگیزی در اشعارش مورد بررسی قرار گیرد.

پ: روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم ، روش تحقیق ، جامعه ی مورد تحقیق ، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری ، ابزار اندازه گیری ، نحوه ی اجرای آن ، شیوه ی گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها :

شیوه ی کار بدین صورت بود که ابتدا سیصد غزل از شاعر مذکور (به صورت مضرب های عدد پنج) انتخاب گردید . سپس صوربیانی تشبیه ، استعاره ، مجاز و کنایه به روش فیش برداری استخراج شد . و در آخر بسامدی کلّی از این تصاویر شعری در کلّ ابیات برگزیده به دست آمد که تعداد و درصدهای آنها در بخش پایانی هر فصل به صورت جداگانه ، بر روی جدول و نمودار نشان داده شد .

ت: یافته های تحقیق :

آمارهای به دست آمده از نتایج این تحقیق نشان می دهد تشبیه (با ۵۳ درصد) بالاترین جایگاه را از میان صوربیانی یادشده داراست ، استعاره (با ۲۴ درصد) در رتبه ی بعدی و پس از آن کنایه با (۲۰ درصد) و مجاز (با ۴ درصد) در مکان های بعدی قرار دارند .

در قسمت تشبیه ، تشبیه بلیغ اضافی با ۲۸ درصد ، در بخش استعاره ، استعاره ی مصرحه مجرده با

۲۳ درصد و در کنایه ، کنایه از فعل با ۴۷ درصد ، در بخش مجاز نیز مجاز به علاقه ی موصوف و صفت یا مضاف و مضاف الیه با ۳۰ درصد ، بیشترین فراوانی را دارا می باشند .

به استثناء تشبیه بلیغ و تشبیه موقوف المعانی که تقریباً در ۷۰ درصد از موارد یکی از طرفین تشبیه و بندرت هر دو طرف عقلی هستند ، در سایر بخش ها تشبیهات عمدتاً حسی به حسی است .

ث : نتیجه گیری و پیشنهادات :

با توجه به آمار به دست آمده ، اهلی شاعری تشبیه گراست و تشبیه پرکاربردترین صورت خیالی در غزلیات اوست .

تصاویر ابداعی در اشعار اهلی بسیار کم شمار بوده و مضامین و تصاویر تکراری به دفعات زیاد در ابیات تکرار می شوند بدون کوچکترین نوآوریو تغییر . بیشتر این واژه ها (تقریباً در نود درصد موارد) به ترتیب مشبّه به واژه های معشوق یا یکی از اجزای بدن او، و یا عاشق واقع شده اند . آنچه از مطالعه ی اشعار این شاعر حاصل آمد و می تواند زمینه ی تحقیقات بعدی واقع شود ، کاربرد زیاد صنایع ،

بدیعی خصوصاً تناسب ، تضاد ، تلمیح ، حسن تعلیل ، جناس ... و بسیاری صنایع دیگر که به شایستگی زیبایی به کار رفته است .

به لحاظ دستوری نیز بسیاری از ابیات و جمله ها غیردستورمند و ارکان جمله مشوّش است که در پاره ای موارد ایجاد ضعف تألیف و تعقید لفظی نموده است ، از این بعد نیز اشعار این شاعر شایسته ی پژوهش است .

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم .

نام استاد راهنما : دکتر حسن حسن زاده نیری

سمت علمی :

رئیس کتابخانه :

نام دانشکده : ادبیات و زبان های خارجی

چکیده

رساله‌ی حاضر با عنوان (بررسی صور خیال در غزلیات اهلی شیرازی) به بررسی شیوه‌های تصویرپردازی در اشعار این شاعر پرداخته است. بدین منظور صورخیالی که بسامد بیشتری دارند، یعنی مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه از بین سیصد غزل از این شاعر استخراج شده و در فصول جداگانه بررسی شده‌اند.

فصل اول شامل بررسی سبک دوره‌ی تیموری و فصل دوم مختصری از شرح حال اهلی شیرازی و شیوه‌ی شعرپردازی اوست. در فصل‌های بعدی هریک از صنایع بیانی که ذکر آن گذشت و نمونه‌های مربوط به آن در چهار فصل جداگانه بررسی شد. بدین صورت که نخست شرحی کوتاه درباره‌ی هریک از صورخیال مذکور بیان گردید، سپس فروعات آن به همراه شواهدی از غزلیات شاعر مذکور مورد بررسی قرار گرفت. در بخش پایانی هم نتایج حاصله بیان گردید.

شیوه‌ی کار بدین صورت بود که ابتدا سیصد غزل از شاعر مذکور (به صورت مضرب‌های عدد پنج) انتخاب گردید. سپس صور بیانی تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه به روش فیش برداری استخراج شد. و در آخر بسامدی کلی از این تصاویر شعری در کلّ ابیات برگزیده به دست آمد که تعداد و درصد‌های آنها در بخش پایانی هر فصل به صورت جداگانه، بر روی جدول و نمودار (دایره‌ای) نشان داده شد.

با توجه به جدولها و نمودارهای ارائه شده، از هریک از صور خیال ذکر شده در اشعار این شاعر آماری به دست آمد که با توجه به این آمار می‌توان میزان بهره‌گیری از هر کدام از صوربیانی یادشده در ایجاد خیال انگیزی در شعر (غزل‌های) این شاعر را مشخص نمود. این آمارها نشان می‌دهد تشبیه (با ۵۲ درصد) بالاترین جایگاه را از میان صور بیانی بررسی شده داراست و استعاره (با ۲۴ درصد) در رتبه‌ی بعدی و پس از آن کنایه (با ۲۰ درصد) در مکان سوم و مجاز (با ۴ درصد) در مکان چهارم واقع شده‌اند.

از میان تشبیهات، تشبیه بلیغ (به صورت اضافی و غیر اضافی) با ۴۰ درصد از کلّ تشبیهات، در قسمت استعاره نیز استعاره‌ی مصرّحه‌ی مجردة ۲۵ درصد از مجموع استعاره‌ها، در بخش کنایه، کنایه از فعل با ۴۷ درصد از مجموع کنایات، و در بخش مجاز، مجاز به علاقه‌ی موصوف و صفت یا مضاف و مضاف الیه با ۳۰ درصد از کلّ مجازها، در صدر جدول قرار می‌گیرند.

کلید واژه‌ها: اهلی شیرازی، صور خیال، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه.

فهرست مطالب

فصل اوّل

صفحه	عنوان
۱	۱- سبک دوره ی تیموری
۲	۱-۱ خصوصیات سبک دوره ی تیموری
۱۰	۱-۲ ویژگی های زبانی
۱۲	۱-۳ قالب های ادبی
۱۲	۱-۳-۱ غزل
۱۳	۱-۳-۱-۱ غزل عاشقانه
۱۵	۱-۳-۱-۲ غزل عرفانی
۱۶	۱-۳-۱-۳ غزل قلندری
۱۷	۱-۳-۲ قصیده
۱۸	۱-۳-۳ مثنوی
۱۹	۱-۳-۴ انواع دیگر شعر

۲۱	۱-۴ ویژگی های ادبی
۲۳	۱-۵ ویژگی های فکری
	فصل دوّم
۲۵	۲- اهلی شیرازی و هنر شاعری او
۲۶	۲-۱ اهلی شیرازی از تولّد تا مرگ
۲۷	۲-۲ مذهب و مشرب اهلی
۲۷	۲-۳ آثار اهلی
۳۰	۲-۴ شعرای معاصر اهلی
۳۱	۲-۵ ممدوحین شاعر
	فصل سوّم
۳۳	۳- مجاز
	فصل چهارم
۴۸	۴- تشبیه
۵۱	۴-۱ تشبیه مفصل صریح
۸۷	۴-۲ تشبیه مجمل مرسل
۹۳	۴-۳ تشبیه مفصل مؤکد
۹۹	۴-۴ تشبیه بلیغ (غیر اضافی)

۱۱۹	۴-۵ تشبیه بلیغ اضافی (اضافه ی تشبیهی)
۱۵۹	۴-۶ تشبیه موقوف المعانی
۱۷۱	۴-۷ تشبیه مرکب
۱۷۴	۴-۸ تشبیه تمثیل
۱۷۸	۴-۹ تشبیه ملفوف
۱۸۱	۴-۱۰ تشبیه مفروق
۱۸۶	۴-۱۱ تشبیه تسویه
۱۸۸	۴-۱۲ تشبیه جمع
۱۹۱	۴-۱۳ تشبیه معکوس (یا مقلوب)
۱۹۹	۴-۱۴ تشبیه مضمّر
۲۱۲	۴-۱۵ تشبیه مضمّر تفضیلی
۲۱۶	۴-۱۶ تشبیه مشروط
	فصل پنجم
۲۲۰	۵-استعاره
۲۲۲	۵-۱۱ استعاره مصرحه
۲۲۳	۵-۱-۱۱ استعاره مصرحه مجرده
۲۳۹	۵-۱-۱۲ استعاره مصرحه مطلقه

۲۵۰	۵-۱-۳ استعاره مصرحه مرشحه
۲۵۸	۵-۲ استعاره مکنیه یا بالکنایه
۲۵۸	۵-۲-۱ استعاره مکنیه به صورت غیر اضافی
۲۷۳	۵-۲-۲ استعاره مکنیه به صورت اضافی
۲۸۵	۵-۳ استعاره تبعیه
۲۹۲	۵-۴ استعاره مرکب (تمثیلیه)
	فصل ششم
۲۹۸	۶-۱ کنایه
۳۰۰	۶-۱ کنایه از موصوف (اسم)
۳۱۲	۶-۲ کنایه از صفت
۳۳۱	۶-۳ کنایه از فعل
۳۵۸	- نتیجه گیری و جمع بندی
۳۶۲	- کتابنامه
۳۶۳	- پیوستها (فهرست غزلیات)
۳۷۶	- چکیده ی انگلیسی
۳۷۷	- صفحه ی عنوان انگلیسی

فهرست جدولها

۴۷	_ جدول ۱-۳
۲۱۸	_ جدول ۱-۴
۲۹۷	_ جدول ۱-۵
۳۵۷	_ جدول ۱-۶
۳۶۱	_ جدول ۲-۶

فهرست شكلها

۴۷	شكل ۱-۳ _
۲۱۹	شكل ۱-۴ _
۲۹۷	شكل ۱-۵ _
۳۵۷	شكل ۱-۶ _
۳۶۱	شكل ۲-۶ _

فصل اوّل

سبک دوره ی تیموری

۱ - سبک دوره ی تیموری

۱-۱ خصوصیات سبکی این دوره

« سبک عراقی باید قاعدتاً در قرن هشتم تمام می شد اما به سبب تغییر نکردن اوضاع اجتماعی در قرن نهم شاعران و نویسندگان بزرگی ظهور نکردند و سبک عراقی به طور مختصری به حیات خود ادامه داد. در سالهای آخر قرن هشتم تیمور به ایران حمله کرد. فساد و پریشانی اوضاع روزگار ایلخانان مغول سرعت بیشتری گرفت و مظاهرتدنی در همه ی شوؤن فرهنگی و اجتماعی آشکارایی بیشتری یافت. »

(شمیسا، ۱۳۸۸: ۲۴۴)

« دوره ای که مورد مطالعه ی و تحقیق ماست از آخرین سالهای قرن هشتم آغاز شده و تا به چند سالی از آغاز قرن دهم امتداد می یابد. این دوره که اندکی بیش از یکصد سال به درازا کشید یکی از دوره های مهم ادب فارسی است که با همه ی نقایص خود بسیاری وجوه رجحان و برتری را داراست، به نحوی که می توان آن را آخرین دوره ی قدیم در ادب فارسی و عهدی شمرد که دیگر تجدید نشد و نیز دورانی دانست که به نوبه ی خود مقدمه ی آغاز عهدی کاملاً نو در ادب فارسی (یعنی عهد صفوی) گردید. » (صفا ۱۲۴)

« نیمه ی اول قرن نهم، دوران حکومت شاهزادگان تیموری است. تیمور و احفاد او کمتر از چنگیز و اولادش به تمدن و عمران دنیای اسلام لطمه زدند اما خیلی بیشتر و خیلی پیشتر از اعقاب چنگیز با تمدن و فرهنگ اسلام آشنا شدند. به علاوه تیمور و اخلاف وی بر خلاف چنگیز و اعقابش اهل اسلام بودند و در غلبه ی آنها نسبت به مساجد و مصاحف و حتی نسبت به علماء و مدارس آن چنان استخفاف نرفت.» (زرین کوب ۹۱)

« توجه به علم و ادب و هنر به وسیله ی شاهان و شاهزادگان تیموری امریست که گویی جزو فطرت و خوی طبیعی آنان بود. اشارات مورخان و مؤلفان به این امر به حدی در کتب این عهد تکرار می شود و آن قدر در شرح حال نام آوران زمان بدان بر می خوریم که می توان صحایف متعدّد را از آن اخبار آکند.

از اختصاصات تیمور یکی این بود که برای هریک از پسران خود نیز دربار شاهی ترتیب داد و به رسم شاهان پیشین برای آنان ندمایی از شاعر و ادیب و دانشمند گرد آورد. امیرانشاه و عمر شیخ میرزا و شاهرخ

بهادرخان، هم در حیات پدر، و چه بعد از او، همواره عدّه ای شاعر و نویسنده ی خوب در میان حواشی خود داشته و آنان را به انواع نعم می نواخته اند، و نوادگان تیمور مانند پیر محمد و خلیل سلطان و بایسنقر و الغ بیک و ابراهیم سلطان خود در این راه کار را به مبالغه کشانیدند و از ثروت بیکرانی که به چنگشان افتاده بود در راه ترغیب و تحریض اهل ادب کمال استفاده را نمودند.» (صفا ۱۲۵)

«اگرچه تیمور از مغولان بود و کشتارهای فراوان به راه انداخت، علم و اهل هنر و پیشه و صنعت را به چشمی دیگر می نگریست. در کشتارها معمولاً این گروه را معاف می کرد. فرزندان وی نیز به سبب هم نشینی با ایرانیان، خوی مغولی خود را تا حدّ زیادی از دست داده بودند و بیشتر آنان با شعر و خط و تذهیب و سایر هنرهای ظریف انس داشتند. شاعر پروری و هنر دوستی شاهزادگان تیموری باعث رواج شعر و نقّاشی و معماری و کاشی کاری و هنرهای مربوط به کتاب شده بود. آن چنان که عصر آنان از نظر پیشرفت و ترقّی این گونه هنرها، در همه ی ادوار تاریخ ایران ممتاز است و پیشرفت همه ی این هنرها در عصر صفویّه مدیون علاقه و تلاش شاهزادگان تیموری است.

تیمور جمع زیادی از اهل هنر را به سمرقند فرستاده بود. در دوره ی سلطنت الغ بیک - که خود نیز از علم و هنر بهره داشت - بازار علم و هنر و ادبیات رونق داشت. دیگر شاهزادگان و امیران تیموری چون بایسنقر و سلطان حسین بایقرا، معمولاً از اهل هنر تجلیل می کردند. بجز سمرقند، هرات و شیراز در قلمرو تیموریان و تبریز و اسلامبول در قلمرو آل جلایر و ترکمانان قره قویونلو و عثمانیان از مراکز رواج هنرهای گوناگون محسوب می شد.» (غلامرضایی ۲۰۶)

«یکی از نکاتی که در شعر و شاعری این دوره در نظر می آید این است که بسیاری از شاعران با غالب فنون هنر آشنا بودند، و خاصّه به صنعت موسیقی توجّه داشتند. در تذکره های این دوره به نام شعرای متعدّدی برمی خوریم که به استادی ایشان در فنون نقّاشی و خط و موسیقی اشاره شده است. در دوره ی دوم تیموری، که مهم ترین سنین آن از لحاظ فنون هنر و شعر و شاعری سنین حکومت سلطان حسین بایقراست، عدّه ی شعرایی که از این جامعیت هنری برخوردار بوده اند به مراتب بیشتر است.» (یارشاطر ۹۳)

«دوره ی تیموری که از اواخر قرن هشتم تا اوایل قرن نهم امتداد داشت و پایان آن با چندین سال از آغاز عهد صفوی همزمان بود، از دوره های بزرگ رواج شعر در تمام سرزمین ایران و نواحی مجاور آن و تعدّد شگفت انگیز شاعران شمرده می شود. نخبه ی شاعرانی که نامشان در پایان عهد سلاطین تیموری تا آخر عهد شاه اسمعیل صفوی در حبیب السیر آمده به تنهایی از ۲۰۰ تن می گذرند، و فقط در همین دوره ی یکصد و چند ساله پانصد و هفتاد و چهار شاعر در فهرست گویندگانی ذکر شده اند که امیر علیشیر نوایی از مجموع احوال و آثارشان کتاب مجالس النفائس را ترتیب داده است. استاد فقیه سعید نفیسی که از راه تحقیق و

استقصاء متمادی اسامی همه یا نزدیک به همه ی شاعران را تا قرن یازدهم در کتاب « تاریخ نظم و نثر در ایران » گرد آورده ، فقط در قرن نهم بیشتر از یک هزار شاعر را نام برده و شرح حال و آثار معدودی از آنان را به اختصار مذکور داشته است . فهرست های دوگانه ی اخیر همه ی کسانی را که در آن دوران لب به شاعری گشوده بودند در بر می گیرد زیرا چنان که می دانیم گذشته از شعرای عادی تقریباً غالب اهل فضل و دانش و بیشتر شاهان و شاهزادگان تیموری و ترکمان و عثمانی و بسی از رجال دولت آنان و حتی عده ی کثیری از زنان شعر می سروده و گروهی از آنان دیوان شعر داشته اند چنان که باید گفت اشتغال به ادب و شعر و شاعری از جمله ی فضایل طبقات درس خوانده شده بود .» (صفا ۱۶۱-۱۶۰)

«مع الاسف باید گفت چون اساساً کشور ایران در این ایام بر اثر حوادث نامطلوب تاریخی دچار یک انحطاط علمی و اخلاقی بزرگی بود این نهضت و پیشرفت بخصوص در مورد شعر از لحاظ کمیّت صورت عمل به خود گرفت و از نظر کیفیت نمی توان ارزش و اعتبار چندانی برای آن قائل گردید . بیشتری از این شاعران فاقد فضائل اخلاقی و لازمه ی شعر خوب است بهره ای نداشتند ، از فصاحت و شیوایی ظاهر نیز بی بهره بودند .» (مؤتمن ۳۳۱)

« نکته ای که قابل ذکر است آنکه در دربارهای تیموریان و ترکمانان همواره به رسم قدیم عده ای از شعرا موظف به سر می بردند که کارشان مدح سلاطین و وزراء و امرای بزرگ ، و گذراندن قصائد مدحی خود در ایام رسمی خاصه در جشنها ، و نیز تسلیت به سلاطین در مرگ کسان و بستگان و تهنیت جلوس و فتح و نظایر این وقایع و مواقع بوده است ، و همین رسم شایسته است که چنان که می دانیم از آغاز عهد شعر فارسی موجب ترویج آن در ایران گردید .» (صفا ۱۶۱)

« در مجموع ویژگی هایی که از دیدگاه های مختلف اجتماعی و سیاسی در قرن نهم وجود داشته و مجموع آنها در شعر این دوره نیز کم و بیش انعکاس یافته و زمینه را برای دگرگونه های ادبی مهیا کرده است ، اینهاست :

۱- در قرن نهم شعر و شاعری عمومیّت یافت و شعر از انحصار طبقه ی خواص به درآمد . شرایطی که در دوره های پیشین برای شاعران وجود داشت تا در زمره ی شعرگویان ماهر محسوب شوند در این دوره وجود نداشت . در قرن نهم امیران و عالمان و قاضیان و فقیهان و لشکریان و اهل حرفه و پیشه ، همگان به کار شاعری مشغول بودند ، به همین سبب قرن نهم از نظر فراوانی تعداد شاعران قابل توجه است . بحث درباره ی شعر و شاعری در میان همه رواج داشت .» (غلامرضایی ۲۰۷-۲۰۶)

« یکی از مظاهر توسعه و رواج شعر در این دوره یک رشته مکاتبات و مناظرات شعری است که میان امیران و شاهزادگان عصر به مناسبت امور سیاسی به وجود آمده است و از مجموع آن دو نکته صریحاً مستفاد می

شود: یکی التفات فوق العاده ی این امرا و سلاطین به شعر و شاعری و توجه به حسن تأثیر آن. دیگر شیوع و عموم شعر به عنوان شیوه ی بیانی مؤثر، نه به عنوان گفتار عدّه ای مخصوص در موارد معدود.» (یارشاطر ۷۲)

« علت رواج و توسعه ی شعر و شاعری، علاقه و تشویق امیران و شاهزادگان تیموری بود و شکسته شدن قید و بندهایی که برای شناخت شاعران در ادوار پیشین وجود داشت. علاوه بر این حوادث و مصایب دوره ی مغول و حمله ی تیمور که چند دهه استمرار یافته بود، روح دردمند قوم ایرانی را آماده ی عکس العمل زبانی و عاطفی ساخته بود. این عکس العمل روحی از طریق زبان گشودن به شاعری نمود می یافت.» (غلامرضایی ۲۰۷)

«۲- اعتقاد شدید سلاطین و شاهزادگان تیموری و امیرانشان به مشایخ صوفیه، قرن نهم را یکی از ادوار مساعد برای رواج تصوّف و نفوذ روزافزون صوفیه ساخت.» (صفا ۶۶)

« مسلم است که توجه پادشاهان قرن هشتم و نهم به مشایخ و احترام بدانان و اظهار اعتقاد و انقیاد نسبت به اصحاب خانقاه ها در این شیوع و رواج کم نظیر و در عمومیت دادن اندیشه های صوفیانه مؤثر بوده است، و از طرفی دیگر سختی های روزگار و ناپایداری احوال جهان طبعاً بر توجه مردم به مقاصد صوفیان می افزود یعنی آنها را بیش از پیش به معنویات و ترک علایق دنیوی تشویق می نمود.» (همان؛ ۶۸)

« در این قرن نیز تصوّف و خانقاه نشینی و بحث های عرفانی رواج تمام داشت و خواه ناخواه این احوال در ظهور شاعران عارف مسلک چون شاه نعمت الله ولی و جامی و شاه قاسم انوار مؤثر بود. علاوه بر این، بسیاری از شاعران دیگر که عارف مسلک نبودند نیز مفاهیم و اصطلاحات عارفانه را در شعر خویش به کار می بردند. عرفان علمی و خشک ابن عربی که از قرن هفتم به تدریج از سوی افرادی چون صدرالدین قونوی و فخرالدین عراقی تبلیغ و تعلیم می شد، در این دوره در اعتقادات عارفان ایرانی رسوخ یافته و اصطلاحات آن نیز به زبان نثر و نظم فارسی راه یافته بود. به همین سبب در شعر شاه نعمت الله ولی و جامی و امثال آنان، این گونه مباحث و اصطلاحات مربوط به آن دیده می شود حال آنکه این گونه مفاهیم و اصطلاحات در شعر عارفی چون مولوی دیده نمی شود.

۳- توجه به مذهب و تعالیم مذهبی - که از قرن پنجم به تدریج در جامعه عمومی تر شد - در این قرن قابل توجه است. شاخصیت اوضاع مذهبی قرن نهم در آن است که تشیع که از دوره ی مغول رشد یافته و قدرت گرفته بود، در این قرن نیز هم چنان قدرت بیشتر می یافت.» (غلامرضایی ۲۰۷)

« ذکر مناقب آل رسول و ائمه اطهار در اشعار این عهد هم امری رایج است. نه تنها در قصاید غرایی از شاعران این زمان مانند ابن حسام و کاتبی و لطف الله نیشابوری و امیر شاهی و امیر حاج حسینی جنابدی و

کمال الدین غیاث شیرازی و نظام استرآبادی و فغانی شیرازی و لسانی و جز آنان مدائحی در ذکر مناقب حضرت علی بن ابیطالب و اولاد او داریم ، بلکه حتی سنّیان متعصّبی مانند جامی هم از اظهار احترام وافر در اشعار و خاصّه در مثنویات خود نسبت به « اهل بیت » امتناعی نداشتند و این معنی در آثار منشور این عهد هم اعم از متون ادبی یا تاریخی به وفور ملاحظه می شود.» (صفا ۵۶)

« نظام استرآبادی (م ۹۱۱ هـ) دیوانی کامل در همین باب یعنی توحید و نعت رسول و منقبت ائمه ی دین دارد که نسخه ی کامل آن موجود است . ذکر مرثیاتی شهدای کربلا را چه او و چه بیشتر شاعران دیگر در قصائد آورده اند چنان که کارشان را می توان مقدمه ی شیوع همین نوع شعر در عهد صفوی دانست . از شاعران دیگری که در آثارشان از این نوع مدایح یا مرثیاتی دینی دیده می شود ، برندق خجندی ، اهلی شیرازی ، کاتبی ، فغانی ، انسی (امیر حاج جنابدی) ، لطف الله نیشابوری ، نظام استرآبادی ، اوحدی سبزواری و چندین تن دیگر را می توان نام برد .» (همان؛ ۱۸۷-۱۸۶)

« قرن نهم به سبب بروز انحطاط های اجتماعی و علمی ، دوره ی رواج تعصّب ها و کشمکش های فرقه ای و مذهبی نیز هست . این تعصّب ها و دشمنی ها ، گاه گاه با کوتاه بینی ها و تنگ نظری های خاص - که ویژه ی دوران های انحطاط اجتماعی است - رواج داشت . بعضی از داستان هایی که در تذکره ها و کتاب های تاریخی قرن نهم به بعد در این موارد آمده ، نشان سخت گیری های پیروان تشیع و تسنن نسبت به یکدیگر است . جامی شاعر معروف این عصر در ضمن یک رباعی از این گونه اختلافات با لحن طنز آمیز یاد کرده است :

ای مغبچه ی دهر بده جام میم	کآمد ز نزع سنّی و شیعه قیم
گویند که جامیا چه مذهب داری؟	صد شکر که سگ سنّی و خر شیعه نیم

احضار شاعران و عارفان اهل علم به دربارها - بر اساس بدگویی مدعیان و مخالفانش - و پرسش و پژوهش درباره ی اعتقادات آنان ، یکی از مسایل مرسوم و متداول در این قرن است که در تاریخ ها و تذکره ها موارد آن را می توان یافت . نمونه ی آن برای صاین الدین علی ترکه ی اصفهانی و کمال الدین حسین خوارزمی اتفاق افتاده است .

در این دوره نیز چون دوره های پیشین ، تحصیلات در مدرسه ها و مکتب ها ، جنبه ی دینی داشت و این خود سبب می آمد که شاعران با مباحث مربوط به علوم مختلف مذهبی آشنا باشند . و در اشعار خود مفاهیم و اصطلاحات علوم دینی را به کار ببرند . جامی شاعر معروف این قرن ، ممتازترین شاعری است که در آموختن علوم زمان خویش رنج کشیده و مفاهیم و اصطلاحات آن ها را به شیوه ی استادان متقدم در اشعار خود به کار گرفته و همین خصلت از جنبه ی عاطفی و شور و حال اشعارش کاسته است.

۴- اگرچه در قرن نهم نیز عده ای از دانشمندان آثار خود را به عربی نوشته اند ، فی الجمله ، زبان عربی در این دوره رواج کمتری دارد . شاعر ذواللسانین در این دوره نیست یا بسیار کم است و اشعار عربی این دوره بیشتر منحصر است به ملمعاتی که در بعضی دیوان ها دیده می شود . این امر را دو علت عمده است : نخست آن که ویرانگری های مغولان که باعث خراب شدن مدارس و مراکز تعلیم و از میان رفتن کتابخانه های بزرگ بود ، به تدریج ، تحصیلات را از کیفیت متعالی پیشین تنزل داد و دیگر آن که با برافتادن خلافت عباسیان به دست هلاکو خان مغول و برچیده شدن نظام متمرکز حکومت آنان در اسلام ، به تدریج از کاربرد و اهمیت زبان عربی در ایران کاسته شد .

۵- هرچند که قرن نهم از نظر تعداد شاعران ، از دوره های ممتاز ادب فارسی است ، از نظر کیفیت ، آغاز دوران انحطاط شعر فارسی است . در این دوره شاعران از نظر معنی و لفظ و قالب ، از نوآوری ناتوان اند . به همین سبب در قرن نهم ، شاعری بزرگ و صاحب سبک چون شاعران بزرگ گذشته ظهور نکرده است . آنان نتوانسته اند از بطن شعر شاعرانی چون مولوی و حافظ و سعدی ، شاخه ای مهم و قابل توجه را دنبال کنند آن چنان که شاعرانی هم ردیف با این گونه شاعران در شعر فارسی ظهور کند. (غلامرضایی ۲۰۹-۲۰۸)

« از مظاهر این انحطاط یکی آن است که در این دوره به شاعر بزرگی که بتوان نامش را در ردیف شعرای نامدار ایران قرار داد بر نمی خوریم ، و هرچند جامی (۸۹۸-۸۱۷) که فی الجمله شهرتی دارد نیمی از عمر خود را در این دوره بسر برده و پرورده ی این عصر است اما حَقاً شاعر دوره ی دوم تیموری محسوب می شود . نام کمتر شاعری از این دوره در میان عامّه مشهور است . » (یار شاطر ۱۰۱)

« فقدان سبکی ممتاز در شعر این دوره ممکن است موهم این نظر شود که در این دوره ابتکار و ابداع در شعر وجود نداشته و شاعران این عصر مطلقاً از نیروی خلاقیتی که در شعرای بزرگ می توان دید بی - بهره بوده اند و صورت و معنی بدیع در آثار ایشان نمی توان یافت . اما پس از تفحص آشکار می شود که چنین نیست ، بلکه شاعران این دوره نیز در حدّ خود معانی تازه آورده و مضامین نو جسته و شیوه ی خاصی بکار برده اند . منظومه ی « حسن و دل » فتّاحی نیشابوری که داستانی تمثیلی است از جهت طرح موضوع و سیر داستان تازگی دارد . منظومه ی « گوی و چوگان » عارفی نیز بدیع است . در قصاید و غزلیات نیز از آنجا که مضمون یابی در این دوره رواجی داشته نکات تازه و معانی باریک بسیار می توان یافت . »

« اما نکته آنجاست که هیچ یک از ابداعات و ابتکارات آن قدر وسیع و شامل و نیرومند نیست که شخصیت خاصی برای شاعر تحصیل کند و شعر او را از شعر دیگران ممتاز و مشخص نماید . آن استقلال و تمامیت و کمالی که در شعر استادان بزرگ مشهود است و آن هنرمندی و استادی مسلّمی که اثر آنان را ممتاز می سازد

در اثر شعرای این زمان نمی توان یافت. از این رو باید گفت که در این دوره شاعر صاحب سبک و سبکی نو که حاکی از قوت ابداع و خلاقیت هنری شاعر باشد وجود نداشت.» (همان؛ ۱۰۲)

« بنای کار شاعران این دوره بیشتر بر تقلید و تکرار است. یعنی شاعران می کوشیده اند تا اشعار شاعران پیشین را استقبال کنند و پاسخ گویند و هرگاه در این نظیره گویی ها خوب از عهده برمی آمدند، خود را شاعری توانا می پنداشتند.» (غلامرضایی ۲۰۹)

« مطالعه در کیفیت تقلید از شاعران دیگر و تعیین شعرایی که در این عصر بیشتر مورد تتبع بودند کمک مهمی به روشن ساختن سبک شعر و شاعری این زمان می کند. مطالعه ی آثار اساتید سلف در میان شعرا از سنن رایج بود، در هیچ دوره شعرای صاحب قدر از تتبع دیوان شاعران پیشین غافل نبوده- اند. مطالعه ی دیوان شاعران قدیم هرچند غالباً طبع شاعر را به پیروی از سبک استادان قدیم می کشاند و تا حدی مانع ابداع و ابتکار می شود اما از جهت دیگر بسیار سودمند است، چه بیان شاعر با آشنایی به کیفیت بیان قدما و طرز ادای ایشان از خطا و زلل ممکن برکنار می ماند و هم طبع شاعر در پروراندن معانی از پختگی و کمال شیوه ی اساتید گذشته مایه می گیرد، و نیز وحدت و پیوستگی خاصی در میان آثار شعرا پدید می آید.» (یارشاطر ۷۸)

« تتبع و تقلید از شعر دیگران و توقف در شیوه ی یکی از شاعران بزرگ گذشته، تکرار لغات و ترکیبات و مفاهیم شاعران پیشین را به دنبال داشت. به همین سبب گاه گاه شاعری به مضمون دزدی آوازه می شد. بعضی از تذکره ها و نیز برخی از شاعران به جد و گاه به طنز، به این گونه تقلیدها و تکرارها توجه کرده اند.» (غلامرضایی ۲۰۹)

« در مجالس النفائس امیر علیشیر نوایی مکرر به نام شاعرانی می توان برخورد که مؤلف درباره ی آنها می گوید، قابلیت و استعداد داشته اند اما مقدمات لازم را کسب نکرده اند. این حال سبب شد که معانی و افکار بازاری و الفاظ و لغات محاوره در شعر راه یابد و تدریجاً مقدمات سبک معروف به هندی که در عصر صفویّه در ایران و هند رایج شد فراهم آید. بسیاری از شاعران این عهد به همین سبب که شعرشان با طرز فکر و شیوه ی بیان عوام نزدیک بوده است، شهرت عام یافته اند و البته غلبه ی ذوق عوام بر شعر و غزل، در عین حال می بایست موجب رواج بی تمیزی در شناخت شعر و شیوع سرقات و بی بند و باری در نقل و اخذ لفظ و مضمون اشعار هم شده باشد.» (زرّین کوب ۹۴)

« شاعرانی که بیشتر مورد توجه و تقلید و تتبع بوده اند عبارت اند از: فردوسی، خاقانی، نظامی، ظهیر فاریابی، جمال الدّین عبدالرزاق اصفهانی، کمال الدّین اسماعیل اصفهانی، انوری، امیر خسرو، خواجه حسن دهلوی، مولوی، سعدی، حافظ، سلمان ساوجی.» (غلامرضایی ۲۰۹)